



در تکاپوی امنیت و مقاومت

ولی نصر در کتاب استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی می کوشد

تصویر متفاوتی از سیاست خارجی ایران ارائه دهد



نصرا بهره‌گیری از منابع تاریخی، مصاحبه و تحلیل‌های نظری، نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران در دوره باز دیگر ایران به محل کشمکش قدرت‌های خارجی بدل شد و مردم با قطعی، تورم و بی‌ثباتی دست و پنجه نرم کردند. همان‌گونه که نصر می‌نویسد: «آنچه رضاشاه بنا کرده بود، برای تضمین حاکمیت و امنیت کافی نبود.» اشغال نظامی، فروپاشی اقتصاد و تضعیف دولت مرکزی در آن دوران به‌ویژه برای نخبگان سیاسی و نظامی ایران، به درسی دربارۀ ضرورت برخورداری از ابزارهای کافی برای حفاظت از استقلال کشور در برابر تهدیدهای خارجی مبدل شد.

این تجربه‌ها به شکل‌گیری مفهومی انجامید که بعدها در سیاست‌های شاه و سپس جمهوری اسلامی بازتاب یافت؛ پیوند میان امنیت، قدرت و توسعه ملی، محمدرضا شاه پهلوی، که در سایه این تحولات به سلطنت رسید، استراتژی خود را بر تمرکز قدرت، توسعه اقتصادی و حفظ اتحاد با غرب به‌عنوان یک ضرورت دفاعی بنا کرد. به باور نویسنده شاه با درکی که از تهدیدهای پیش رو داشت می‌خواست تلاش کند ایران را به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل کند اما در مسیر مدرنیزاسیون خود نتوانست نارضایتی‌های اجتماعی را مهار کند و در نهایت این شکاف‌ها منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد.

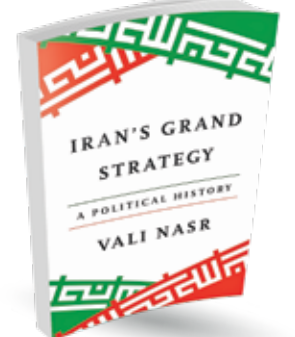
ولی نصر نشان می‌دهد چگونه انقلاب اسلامی نیز بر همان بسترهای تاریخی یعنی جست‌وجوی استقلال و امنیت در مواجهه با تهدیدهای خارجی شکل گرفت. در این میان ضدیدت با نفوذ خارجی به‌ویژه با ایالات متحده به یکی از ارکان گفتمان انقلابی تبدیل شد. گفتمانی که به تعبیر نصر «اسلام را به زبان سیاست ایران با روسیه نویسنده به نقل از یکی از رهبران انقلاب اشاره می‌کند که گفته بود: «اکنون همه تصمیم‌ها در تهران گرفته می‌شود.» این جمله ساده اما عمیق، بازتاب‌دهنده تعهد جمهوری اسلامی به استقلال تصمیم‌گیری و مقاومت در برابر هرگونه مداخله خارجی است. او همچنین اشاره می‌کند که ایران پس از انقلاب، تجربه‌های تاریخی گذشته را به خوبی درک کرده و کوشیده است از تکرار اشتباهات شاه و مصدق جلوگیری کند. در این میان استقلال ژئوپلیتیکی همچنان یک اصل ثابت باقی‌مانده است. اصلی که هم در مقاومت در برابر تحریرها، هم در پرونده هسته‌ای و هم در سیاست‌های منطقه‌ای ایران قابل مشاهده است.

وی در تحلیل خود نشان می‌دهد در نگاه ایران به جهان، تهدید خارجی هرگز فقط تهدیدی نظامی نبوده است بلکه یک تهدید هویتی و تاریخی نیز محسوب می‌شود. از همین رو ایران بارها تأکید کرده که امنیتش را نه در تکیه بر قدرت‌های بزرگ، بلکه در اتکای به ظرفیت‌های داخلی و شبکه‌های منطقه‌ای خود جست‌وجو می‌کند. این همان چیزی است که نصر از آن به‌عنوان «منطق مقاومت» یاد می‌کند. او می‌نویسد: «ایران نتیجه گرفت که باید روی پای خود بایستد و امنیت و عظمت را از طریق مقاومت در برابر نظم بین‌المللی تحت رهبری غرب به دست آورد.»

این استراتژی کلان هرچند با هزینه‌هایی همراه بوده است اما برای جمهوری اسلامی معنای فراتری از سیاست روزمره دارد چرا که این استراتژی از منظر جمهوری اسلامی ایران بقا، عزت ملی و تداوم هویتی ایران را در جهانی پراشوب تضمین می‌کند. در همین چارچوب است که مسأله انرژی هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و حتی مناسبات اقتصادی ایران معنای متفاوت از تصور رایج در رسانه‌های غربی پیدا می‌کند.

او در کتابش می‌نویسد برای ایران جنگ با عراق تنها یک درگیری مرزی نبود بلکه یک نبرد برای بقا و حفظ موجودیت بود. در این جنگ ایران بار دیگر تنها ماند. نه غرب و نه شرق به کمک آن نیامدند. این تنهایی به تعبیر نصر به شکل‌گیری یک فرهنگ استراتژیک خاص منجر شد. فرهنگی که در آن مقاومت و ایستادگی، به ابزار اصلی تأمین امنیت و تعریف جایگاه ایران در نظام بین‌المللی بدل شد. این نگاه در سال‌های بعد به سیاست موسوم به «دفاع پیش‌رونده» یا «عمق استراتژیک» انجامید که نویسنده در بخش دوم به تفصیل به آن پرداخته است. نصر یادآور می‌شود برخلاف تصویر که گاه در تحلیل‌های بیرونی وجود دارد، تصمیم‌گیرندگان ایرانی این سیاست‌ها را بر پایه عقلانیت کرده‌اند. حتی سیاست‌هایی که به ظاهر هزینه‌زا به نظر می‌رسند، در ذهن تصمیم‌گیرندگان ایران، ابزارهایی برای جلوگیری از تهدیدات بزرگ‌تر بوده‌اند.

همین تجربه‌ها باعث شد تا جمهوری اسلامی، استراتژی کلان خود را بر سه محور اساسی بنا کند: مقاومت در برابر فشارهای خارجی، تقویت قدرت دفاعی از طریق توانمندسازی داخلی و توسعه نفوذ منطقه‌ای برای جلوگیری از محاصره استراتژیک. در این مسیر ایران به‌ویژه از ابزارهای نامتقارن برای افزایش عمق استراتژیک خود بهره گرفته است. ابزاری که به گفته نویسنده، بازتاب‌دهنده درسی است



استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی
Iran's Grand Strategy: A Political History
نویسنده: ولی نصر / Vali Nasr
ناشر: انتشارات دانشگاه پرینستون / Princeton University Press
تعداد صفحات: ۴۰۸ صفحه
قیمت: ۲۲۰۹۹۰۰۰ پورو

که ایران از جنگ و فشارهای تاریخی گرفته است. نصر تأکید می‌کند در این استراتژی کلان ایران، هرچند از زبان و نمادهای اسلامی استفاده می‌شود اما اهدافی که دنبال می‌شوند، در باطن عرفی هستند: «ستون‌های مذهبی نظام راهی برای ایران است و تانمافع سیاسی و اقتصادی در داخل و منافع ملی در خارج را تعریف کند. این اهداف در باطن عرفی هستند.» نویسنده همچنین به تحولات پس از جنگ می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه ایران در دهه‌های بعد به جای آنکه سیاست خارجی خود را صرفاً در خدمت صدور انقلاب قرار دهد، به‌تدریج به دولتی عمل‌گرا تبدیل شد که هدف اصلی‌اش بقا، امنیت و حفظ قدرت بود و درک رفتار ایران بدون توجه به این منطق دشوار است.

تثبیت استراتژی کلان مقاومت
بخش دوم کتاب با تمرکز بر سال‌های پس از جنگ و به‌ویژه دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به تحلیل تحول استراتژی کلان ایران می‌پردازد. این بخش که شش فصل را شامل می‌شود، نقشه راهی است برای درک دقیق‌تر آنچه نویسنده «مقاومت» می‌نامد. نصر بر این باور است که پس از پایان جنگ، ایران با دو انتخاب روبه‌رو بود: اصلاح و بازگشت به نظم بین‌المللی یا تداوم مقاومت در برابر نظم جهانی تحت سلطه آمریکا. جنگ گفته او حکومت ایران مسیر دوم را برگزید و به تدریج سیاست‌هایی شکل گرفت که طی دهه‌های بعد ستون فقرات سیاست خارجی ایران را تشکیل داد.

در این مسیر، ایران با اتکا به گروه‌های نزدیک به خود در منطقه از جمله در لبنان، سوریه، فلسطین، عراق و یمن، به دنبال شکل‌دهی به شبکه‌ای از نفوذ منطقه‌ای رفت که هدف آن ایجاد بازدارندگی در برابر تهدیدات نظامی و سیاسی بود. نصر به‌ویژه بر نقش نیروی قدس و فرماندهان آن در برپایه این شبکه تأکید می‌کند. او نشان می‌دهد ایران چگونه از مفهوم «دفاع پیش‌رونده»

سکه یگانگی است. عظمت و آرزوهای بزرگ ایران با اضطراب‌های عمیق همراه شده‌اند. این تنهایی سایه‌ای مداوم بر ایران افکنده و بر درک آن از نگاه این کشور به مسأله امنیت، قدرت و بقا تأثیر گذاشته‌اند. تحولات تلخ جنگ و اشغال، از حملات امپراتوری‌های همسایه در قرون گذشته تا اشغال متفقین در جنگ جهانی دوم در حافظه جمعی ایرانیان باقی‌مانده و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری سیاست خارجی و امنیت ملی این کشور ایفا کرده است.

ولی نصر در کتاب خود بر این نکته تأکید می‌کند که درک سیاست خارجی ایران بدون توجه به این حافظه تاریخی و تجربه‌های مکرر از اشعار می‌کند. در این اثر «محمدعلی اسلامی ندوشن» استدلال کرد که حس یگانگی (ویژگی منحصربه‌فرد بودن) بخشی جدایی‌ناپذیر از آگاهی ملی ایرانیان است. تمایز ایران از نظر تمدن، دین، زبان، و فرهنگ به این معناست که ایران تنها کشور شیعه اعراب و ترک‌های سنی‌مذهب بر آن تسلط یافته‌اند. تنهایی طرف دیگر

سکه یگانگی و در عین حال انزوا به باور نصر بخش جدایی‌ناپذیر از آگاهی ملی ایرانیان است. یکی از نقاط عطف مهم در این مسیر، شکست‌های ایران در مواجهه با قدرت‌های استعماری در قرن نوزدهم است. زمانی که جنگ‌های ایران با روسیه و معاهدات گلستان و ترکمانچای به از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران انجامید. این شکست‌ها نه تنها به تحلیل رفتن قدرت دولت مرکزی انجامید، بلکه در ذهنیت ایرانیان خاطره‌ای تلخ از تحریر و تخریب برج‌های گذاشت. در همین دوره بود که نخبگان ایرانی به این نتیجه رسیدند که دستیابی به یک دولت قوی، لازمه حفظ حاکمیت و امنیت است. نگرشی که بعدها به ستون فقرات تفکر سیاسی مدرن در ایران تبدیل شد.

سکه یگانگی و در عین حال انزوا به باور نصر بخش جدایی‌ناپذیر از آگاهی ملی ایرانیان است. یکی از نقاط عطف مهم در این مسیر، شکست‌های ایران در مواجهه با قدرت‌های استعماری در قرن نوزدهم است. زمانی که جنگ‌های ایران با روسیه و معاهدات گلستان و ترکمانچای به از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین‌های ایران انجامید. این شکست‌ها نه تنها به تحلیل رفتن قدرت دولت مرکزی انجامید، بلکه در ذهنیت ایرانیان خاطره‌ای تلخ از تحریر و تخریب برج‌های گذاشت. در همین دوره بود که نخبگان ایرانی به این نتیجه رسیدند که دستیابی به یک دولت قوی، لازمه حفظ حاکمیت و امنیت است. نگرشی که بعدها به ستون فقرات تفکر سیاسی مدرن در ایران تبدیل شد.

کتاب «استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی» نه فقط یک روایت تاریخی، بلکه نوعی ابزار تحلیلی برای درک رفتار منطقه‌ای ایران در محیطی پراشوب است. آن هر تصمیم تهران می‌تواند پیامدهایی فراتر از مرزهای ملی به همراه داشته باشد

ولی نصر در ادامه اشاره می‌کند که تجربه اشغال ایران در جنگ جهانی دوم، زمانی که نیروهای متفقین وارد خاک ایران شدند و رضاشاه از قدرت کنار گذاشته شد، یکی از زخم‌های ماندگار در حافظه سیاسی ایران است. در این دوره بار دیگر ایران به محل کشمکش قدرت‌های خارجی بدل شد و مردم با قطعی، تورم و بی‌ثباتی دست و پنجه نرم کردند. همان‌گونه که نصر می‌نویسد: «آنچه رضاشاه بنا کرده بود، برای تضمین حاکمیت و امنیت کافی نبود.» اشغال نظامی، فروپاشی اقتصاد و تضعیف دولت مرکزی در آن دوران به‌ویژه برای نخبگان سیاسی و نظامی ایران، به درسی دربارۀ ضرورت برخورداری از ابزارهای کافی برای حفاظت از استقلال کشور در برابر تهدیدهای خارجی مبدل شد.

این تجربه‌ها به شکل‌گیری مفهومی انجامید که بعدها در سیاست‌های شاه و سپس جمهوری اسلامی بازتاب یافت؛ پیوند میان امنیت، قدرت و توسعه ملی، محمدرضا شاه پهلوی، که در سایه این تحولات به سلطنت رسید، استراتژی خود را بر تمرکز قدرت، توسعه اقتصادی و حفظ اتحاد با غرب به‌عنوان یک ضرورت دفاعی بنا کرد. به باور نویسنده شاه با درکی که از تهدیدهای پیش رو داشت می‌خواست تلاش کند ایران را به یک قدرت منطقه‌ای تبدیل کند اما در مسیر مدرنیزاسیون خود نتوانست نارضایتی‌های اجتماعی را مهار کند و در نهایت این شکاف‌ها منجر به انقلاب ۱۳۵۷ شد.

ولی نصر نشان می‌دهد چگونه انقلاب اسلامی نیز بر همان بسترهای تاریخی یعنی جست‌وجوی استقلال و امنیت در مواجهه با تهدیدهای خارجی شکل گرفت. در این میان ضدیدت با نفوذ خارجی به‌ویژه با ایالات متحده به یکی از ارکان گفتمان انقلابی تبدیل شد. گفتمانی که به تعبیر نصر «اسلام را به زبان سیاست ایران با روسیه نویسنده به نقل از یکی از رهبران انقلاب اشاره می‌کند که گفته بود: «اکنون همه تصمیم‌ها در تهران گرفته می‌شود.» این جمله ساده اما عمیق، بازتاب‌دهنده تعهد جمهوری اسلامی به استقلال تصمیم‌گیری و مقاومت در برابر هرگونه مداخله خارجی است. او همچنین اشاره می‌کند که ایران پس از انقلاب، تجربه‌های تاریخی گذشته را به خوبی درک کرده و کوشیده است از تکرار اشتباهات شاه و مصدق جلوگیری کند. در این میان استقلال ژئوپلیتیکی همچنان یک اصل ثابت باقی‌مانده است. اصلی که هم در مقاومت در برابر تحریرها، هم در پرونده هسته‌ای و هم در سیاست‌های منطقه‌ای ایران قابل مشاهده است.

وی در تحلیل خود نشان می‌دهد در نگاه ایران به جهان، تهدید خارجی هرگز فقط تهدیدی نظامی نبوده است بلکه یک تهدید هویتی و تاریخی نیز محسوب می‌شود. از همین رو ایران بارها تأکید کرده که امنیتش را نه در تکیه بر قدرت‌های بزرگ، بلکه در اتکای به ظرفیت‌های داخلی و شبکه‌های منطقه‌ای خود جست‌وجو می‌کند. این همان چیزی است که نصر از آن به‌عنوان «منطق مقاومت» یاد می‌کند. او می‌نویسد: «ایران نتیجه گرفت که باید روی پای خود بایستد و عظمت را از طریق مقاومت در برابر نظم بین‌المللی تحت رهبری غرب به دست آورد.»

این استراتژی کلان هرچند با هزینه‌هایی همراه بوده است اما برای جمهوری اسلامی معنای فراتری از سیاست روزمره دارد چرا که این استراتژی از منظر جمهوری اسلامی ایران بقا، عزت ملی و تداوم هویتی ایران را در جهانی پراشوب تضمین می‌کند. در همین چارچوب است که مسأله انرژی هسته‌ای، نفوذ منطقه‌ای و حتی مناسبات اقتصادی ایران معنای متفاوت از تصور رایج در رسانه‌های غربی پیدا می‌کند.

زایش راهبرد امنیتی ایران
اگرچه ریشه راهبرد امنیتی ایران همان‌گونه که اشاره شد به حافظه تاریخی کهنسال آن باز می‌گردد اما دوره پس از انقلاب نیز وقوع «جنگ با عراق» منشأ بازتولید این درک تاریخی شد. حمله عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹) همه چیز را تغییر داد. جنگی که هشت سال به درازا کشید و نه تنها بسیاری از آرمان‌های انقلاب را در بونه آزمون قرار داد، بلکه ضرورت‌های بقا و امنیت را در اولویت سیاست خارجی و داخلی قرار داد.

به باور نصر تجربه جنگ ایران و عراق تأثیری عمیق و ماندگار بر رهبران جمهوری اسلامی ایران گذاشت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که در یک محیط خصمانه منطقه‌ای و جهانی، اتکا به خود، بازدارندگی و شکل‌دهی به شبکه‌ای از روابط منطقه‌ای برای تضمین امنیت ملی ضروری است.

می‌کند. نصر با بهره‌گیری از منابع تاریخی، مصاحبه و تحلیل‌های نظری، نشان می‌دهد سیاست‌های ایران در حوزه‌هایی چون برنامه هسته‌ای، روابط منطقه‌ای و حمایت از گروه‌های نزدیک به خود در پی حفظ امنیت، تضمین بقا و ارتقای جایگاه ایران در نظم بین‌المللی است. او برخلاف برخی روایت‌ها که سیاست خارجی ایران را امری هیجانی و فاقد عقلانیت راهبردی می‌دانند، بر این نکته پافشاری می‌کند که جمهوری اسلامی ایران، چه در مقاطع بحرانی چون جنگ با عراق و چه در مواجهه با فشارهای سنگین تحریم‌ها، همواره سیاستی مبتنی بر محاسبه و توازن هزینه و فایده در پیش گرفته است. نصر همچنین بر این نکته تأکید می‌کند که سیاست خارجی ایران نه تنها بازتاب اضطراب‌ها، وسواس‌ها و تهدیدات امنیتی است بلکه حامل نوعی آرمان‌گرایی تاریخی نیز هست که در حافظه جمعی ایرانیان ریشه دارد. این کتاب که در یازده فصل تنظیم شده، با مقدمه‌ای مفصل آغاز می‌شود و ساختاری روشنمند دارد. در بخش نخست، تحولات دوران انقلاب و جنگ ایران و عراق تحلیل شده و نویسنده در بخش دوم به بررسی شکل‌گیری و تکامل استراتژی مقاومت و رویکردهای راهبردی ایران در دهه‌های پس از جنگ پرداخته است.

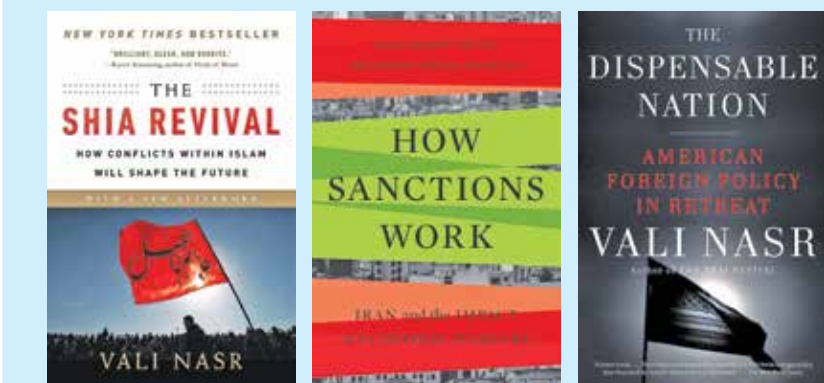
ولی نصر، پژوهشگر برجسته ایرانی-آمریکایی بیشتر عمر خود را خارج از ایران سپری کرده اما همواره در پژوهش‌های علمی خود به ایران نظر داشته است. او کوشیده با عبور از نگاه‌های دوگانه‌ساز و سیاست‌های غربی، واقعیت‌های درونی جوامع خاورمیانه و منطق پنهان بازیگران منطقه‌ای را به تصویر بکشد و در آثار خود بر نقش سیاست‌هویت، تحولات اجتماعی و پیویش‌های منطقه‌ای در شکل‌دهی به سیاست‌ها تأکید داشته است.

نصر متولد ۱۳۳۹ در تهران و فرزند سیدحسین نصر، فیلسوف و اندیشمند نامدار ایرانی است و اکنون از چهره‌های سرشناس در مطالعات خاورمیانه و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. ولی نصر پس از تحصیلات ابتدایی در ایران، در ۱۶ سالگی برای ادامه تحصیل به انگلستان رفت و مقارن با انقلاب ۱۳۵۷ به آمریکا مهاجرت کرد. تحصیلات دانشگاهی خود را با اخذ مدرک کارشناسی روابط بین‌الملل از دانشگاه تافتس با درجه عالی آغاز کرد و سپس در سال ۱۳۶۳ مدرک کارشناسی ارشد خود را در اقتصاد بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه از مدرسه فلچر دریافت کرد و سرانجام در ۱۳۷۰ از مؤسسه فناوری ماساچوست (MIT) دکتری علوم سیاسی گرفت.

نصر در طول حیات حرفه‌ای خود در دانشگاه‌های معتبری چون دانشگاه سن دیگو، دانشگاه جانز هاپکینز و دانشکده نیروی دریایی آمریکا به تدریس پرداخته و در حال حاضر استاد کرسی «ماجد خضوری» در امور بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه در مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی جانز هاپکینز (SAIS) در واشنگتن دی‌سی است. او از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸ به عنوان هشتمین رئیس این مدرسه فعالیت کرد. نصر همچنین پژوهشگر غیرمقیم در بخش آسیای جنوبی شورای آتلانتیک است و توسط مجله اکونومیست به عنوان «یکی از مراجع پیشرو جهانی در زمینه اسلام شیعه» توصیف شده است. او زمانی عضو هیأت سیاست خارجی وزارت امور خارجه آمریکا بود

و بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ به عنوان مشاور ارشد ریچارد هالبروک، نماینده ویژه آمریکا در امور افغانستان خدمت کرد. او همچنین عضو مادام‌العمر شورای روابط خارجی است. آثار پژوهشی نصر طیف گسترده‌ای از موضوعات مربوط به خاورمیانه و جهان اسلام را در بر می‌گیرد. پیش از کتاب «استراتژی کلان ایران: تاریخ سیاسی» نصر کتاب دیگری را با عنوان «تحریم‌ها چگونه عمل می‌کنند؟» با همکاری نرگس باجغلی و جواد صالحی اصفهانی به رشته تحریر درآورده بود و در آن‌جا نویسندگان توضیح می‌دهند تحریم‌های همه‌جانبه معمولاً با هدف ایجاد قیام مردمی، فشار برای تغییر رفتار حکومت یا تضعیف اقتدار آن اعمال می‌شوند اما پس از چهار دهه، نمونه ایران نشان می‌دهد نتیجه کاملاً معکوس بوده است. نویسندگان باور دارند که تحریم‌ها به جای آنکه «جایگزینی برای جنگ» باشند، به عاملی برای تشدید تنش‌ها و احتمال بروز درگیری تبدیل شده‌اند.

کتاب مهم دیگر او «احیای شیعه: چگونه منازعات درون اسلام آینده را شکل خواهد داد» است که به تحلیل تأثیر اختلافات مذهبی بر تحولات منطقه می‌پردازد. این کتاب که در سال ۱۳۸۵ منتشر شد، مورد توجه گسترده محافل



آکادمیک قرار گرفت و نصرا را به عنوان یکی از صاحب‌نظران برجسته در مطالعات شیعه شناسی معرفی کرد. کتاب «دموکراسی در ایران: تاریخ و جست‌وجوی آزادی» که به همراه علی قیصری تألیف شده نیز به بررسی سیر تحولات سیاسی ایران و چالش‌های فراروی توسعه دموکراسی در این کشور می‌پردازد. این اثر با نگاهی تاریخی، ریشه‌های مفهوم دموکراسی در ایران را واگویی می‌کند. همچنین نصر در کتاب «ملت قابل چشم‌پوشی: عقب‌نشینی سیاست خارجی آمریکا» به تحلیل سیاست‌های خارجی دولت اوباما پرداخته و کاستی‌های آن را در قبال خاورمیانه بررسی کرده است. این کتاب که در سال ۱۳۹۲ منتشر شد، به فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های روزنامه فاینشال تایمز راه یافت. کتاب «نیروهای بخت» نیز اثر دیگری از اوست که بر اهمیت طبقه متوسط جدید برای آینده جهان اسلام تمرکز دارد. نصر در آثار خود به بررسی تحولات سیاسی و کنشگری اسلامی در افغانستان، ایران، پاکستان و جهان عرب پرداخته است. او نقش دولت‌ها در فرآیند اسلام‌گرایی در تاریخ خاورمیانه و اهمیت هویت مذهبی در سیاست این منطقه را برجسته کرده و کوشیده تصویری کمتر شنیده‌ای از اسلام، تشیع و کنش‌های سیاستمداران مسلمان ارائه کند.